

خوانشی از دگرگونی شهر در عصر اطلاعات و جهانی شدن*

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۵
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۰/۴

سید عبدالهادی دانشپور** - مصطفی عباس زادگان***
هومن قهرمانی****

چکیده

هدف نوشتار حاضر نیل به تصویری بیش و کم روشن از دگرگونی‌های شهر در عصر اطلاعات و جهانی شدن است و آنکه این دگرگونی‌ها که ماحصل آن از دید بسیاری از اندیشمندان، فرآیندهای جهانی شدن و جهانی‌سازی و فروریختن ساختارهای معمول و باز تعریف آن‌ها در قالب مفاهیم جهانی است چگونه شکل شهرها را تغییر می‌دهد. پژوهش در این نوشتار مبتنی بر روش تبیینی - تحلیلی است که با توجه به کیفی بودن مسئله، تحلیل به شیوه تطبیقی انجام شده است. سعی بر آن است با مرور نوشتگان و آرای صاحب‌نظران، جنبه‌هایی از این تحولات در رابطه با شهر بررسی شود، مهم‌ترین ویژگی تبعی آن‌ها یعنی مقوله شهرهای جهانی مورد مذاقه گیرد و دگرگونی‌های ناشی از آن در ابعاد کالبدی و غیر کالبدی شهر و فضای شهری مورد تحلیل و تطبیق قرار گیرد. حالتی که در آن توسعه شهری به کمک فضاهای سایبری و در همپوشی با واقعیت موجود به عنوان مکمل فضاهای شهری، به صورت هیبریدی و با منطق شبکه‌ای معنادار می‌شود. خصوصیت چنین فضایی تسلط بر محدودیت‌های زمانی و مکانی است که عموماً باعث گردیده مسائل بنیادی زندگی انسان امروزی بردی جهانی پیدا کنند، جامعه جهانی بیش از پیش وابسته شود و بسیاری از فرآیندهای جهانی شدن شکل بگیرند که خود به تبع، شکل‌گیری مراکزی فرا منطقه‌ای را در قالب شهرهای جهانی در پی داشته است. نتیجه همه این دگرگونی‌ها ارائه‌ی تعریف جدیدی از زمان و جغرافیا به صورت اجتماعات فراملی و چندگانگی فرهنگی است. فضاهای شهری و طراحی آن در این شرایط باز تعریف می‌شود و قالب‌های مفهومی، هندسی و شکلی جدیدی در لایه‌ها و مقیاس‌های مختلف شهر بر پایه سیستم شبکه‌ای شهرها و مبتنی بر رویه‌ی طراحی جدید، منتج از شرایط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و فنی - تکنیکی جدید شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: شهر اطلاعاتی، شهر جهانی، فن آوری اطلاعات و ارتباطات، شکل شهر.

* این مقاله برگرفته از بخشی از مطالعات رساله دکتری هومن قهرمانی تحت عنوان "شناخت عوامل شکل دهنده به فضاهای عمومی شهری در عصر جهانی شدن شهرها" است که در دانشگاه علم و صنعت ایران در حال انجام می‌باشد.

** استادیار طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

*** دانشیار طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

**** پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

در بحث از ریخت‌شناسی شهر می‌بایست بر نتایج ملموس نیروهای اجتماعی و اقتصادی متمرکز شد و برون افکنی کالبدی ایده‌ها و مقاصدی که شهرها را قالب می‌زند بر آن اساس ترجمه کرد. شهر نقطه برخورد و انباشت بسیاری از فعالیت‌های شخصی و گروهی است که خود ریشه در سنن فرهنگی دارد و به وسیله نیروهای اجتماعی و اقتصادی در طی زمان شکل گرفته است (Moudon, 1997). در تبیین ابعاد کالبدی و غیرکالبدی شهر، نگاه تکاملی به عنوان یک رهیافت شناخت قابل طرح است. تکامل^۱ مسیر طبیعی گفتمان چیزهایی است که از مرتبه‌ای به مرتبه‌ی دیگر به یادگار مانده، تطبیق کرده‌اند، در رقابت غالب یا مغلوب شده‌اند و تحت تأثیر الزامات محیطی یا مداخلات آگاهانه انسانی هدایت شده‌اند و خود را در طول زمان دگرگون ساخته‌اند. ترکیبی از پایایی و پویایی. ترکیبی در پاسخ به شرایط محیطی و انطباق با الزامات آن (Marshall, 2009, p. 245). این نگاه مبین دیدن فضا در متن رابطه‌ای پویا با زمان است تا در هر دوره بنا به مقتضیات باز تعریف شود و منجر به فضایی مطابق خواست‌های انسان روز شود. با پویایی مفهوم فضا - زمان می‌توان درکی از مکان به عنوان یک چیز باز و متخلخل داشت که هویت آن در ارتباط با تحولات دوران پیوسته تعریف و باز تعریف می‌شود (Madanipour, 2000, P. 36).

از مهم‌ترین تحولات دوره ما مسائلی مثل انقلاب^۲ اطلاعاتی و دیجیتالی، فن آوری ارتباطات، مجازی سازی، خصوصی سازی و اقتصاد شبکه‌ای است. در قیاس با تغییرات تکاملی دوره‌های پیشین شهر، سخن از دگرگونی‌های انقلابی آن و شهری اساساً متفاوت از گذشته است. صحبت از جهانی شدن و شهرهای چند فرهنگی است، صحبت از بین‌المللی شدن و جهان وطن گرایی است، صحبت از تکثر هویت‌ها، تفکرات ارتباطی جدید و هویت ریزومی است. صحبت از معماری دیجیتال و معماری سیال است، سخن از فرا معماری^۳ است در برابر معماری و معماری ای واجد اعصاب است به جای کالبد و شهرهایی با بافت الکترونیکی در مقابل بافت کالبدی. جایی که به گفته کاستلز تکنولوژی اطلاعات باعث آزادسازی فعالیت‌ها از قید محیط شده است (Castells, 1996) و مرزهای سنتی محل کار/ خانه و عمومی/ خصوصی را باز تعریف کرده است. سخن از مانیتور است به عنوان پنجره و کلمه عبور به جای پاسپورت. جایی که نهایتاً ویژگی داشتن یعنی بی هیچ ویژگی بودن و مجموعه همه این‌ها یعنی دگرگون شدن ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تحول بنیادین معنای مکان و جستجوی پایگاه‌هایی متفاوت از قبل.

۱. روش پژوهش

روش پژوهش در این نوشتار مبتنی بر روش تبیینی - تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. از آنجا که پژوهش حاضر دارای بعد نظری و عمدتاً مبتنی بر مباحث کیفی است، روش تحلیلی به صورت تطبیقی می‌تواند شیوه‌ای راهگشا برای شرح و تبیین انگاره‌های اصلی پژوهش باشد. در هر بخش در کنار مروری بر مهم‌ترین منابع مکتوب مرتبط با موضوع سعی گردیده در قالب جداولی مشخص، سیاهه‌ای از مهم‌ترین اصول و الزامات ارائه و در صورت لزوم باهم مقایسه شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱- انقلاب تکنولوژیکی و تحولات ارتباطی

در دورانی از دگرگونی‌های اجتماعی زندگی می‌کنیم که طبق استانداردهای گذشته شگفت‌انگیز است. این عوامل شامل جنبه‌هایی هستند که نظریه پردازان جامعه فراصنعتی و دیگران ذکر کرده‌اند مانند: آهنگ سریع نوآوری تکنولوژیکی همراه با تأثیر تکنولوژی اطلاعات و ریز الکترونیک، درگیری فزاینده همه جوامع صنعتی در شبکه به هم پیوسته‌ای از ارتباطات جهانی، تحولات عمده در درون حوزه‌های خانوادگی و فرهنگی همراه با تغییرات در روابط جنسیت، ادامه اختلافات آشکار ثروت و قدرت بین کشورهای صنعتی و کشورهای فقیر جهان سوم و تعادلی ظریف بین امکان صلح جهانی پایدار و برخورد هسته‌ای که می‌تواند جهان را از صحنه گیتی پاک کند (Giddens, 2006, p. 710). به نظر کاستلز، نوع جدیدی از توسعه مبتنی بر اطلاعات شکل گرفته است. این توسعه بر اساس همگرایی حاصل از تعامل میان فن آوری اطلاعات و فعالیت‌های مرتبط با پردازش اطلاعات و ایجاد یک نظام تکنولوژیک سازمان یافته به وجود آمده است (Castells, 2000). ارتباطات نوین ناشی از این تحولات تکنولوژیکی، انقلابی را در زمینه ارتباط مردم با یکدیگر و مردم با مکان ایجاد کرده است. توسعه بسترهای اطلاعاتی و اثرات جانبی آن‌ها بر زندگی شهری به دگرگونی‌های جدی در زندگی شهری انجامیده‌اند و شاید با کمی اغراق بتوان گفت همه این تحولات منصفه ظهور صورت جدیدی از تمدن بر مبنای فن آوری اطلاعات شده‌اند که به کلی متفاوت از تمدن مکانیکی پیشین است. چنین پدیده ژرفی می‌تواند به طرق مختلف کیفیت و تعریف زندگی و در مقیاسی کلان تر زندگی شهری و شهر را متأثر سازد و آن را در قالب جدید شهر اطلاعاتی باز تعریف کند. شهر اطلاعاتی بیان شهری کاملی از الزامات جامعه اطلاعاتی است. فرایندی که به شکل‌گیری و پویایی این ساختار جدید

شهری، یعنی شهر اطلاعاتی، منجر شده است با استناد بر روندهای اجتماعی و اقتصادی که در حال دگرگون کردن ساختار جوامع هستند بهتر درک می‌شود. منطق جدید فضایی که مشخصه شهر اطلاعاتی است بر اساس تفوق فضای جریان‌ها^۴ بر فضای مکان‌ها^۵ تعیین می‌یابد. منظور از فضای جریان‌ها، نظام مبادلات اطلاعات، سرمایه و قدرت است که به فرآیندهای پایه‌ای جوامع، اقتصادها و دولت‌ها در بین محل‌های گوناگون و بدون توجه به محلیت آن‌ها، ساختار می‌دهد (Fakouhi, 2008, p. 137) و متأثر از آن حضور در مکان معنایی جدید می‌گیرد و اختلافات زمانی نیز بی‌معنی می‌شوند و این یعنی شکل‌گیری نوعی زمان بی‌زمان (Castells, 2001, p. 87). شهر اطلاعاتی در عین حال یک شهر جهانی است زیرا کارکردهای هدایت‌کننده اقتصاد جهانی را در شبکه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها و مراکز پردازش اطلاعات با یکدیگر همساز می‌کند. این‌گونه جهانی شدن اشکال و فرایندهای شهری بر الگوهای مصرف و شیوه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه مفاهیم باارزشی چون زمان و مکان در ارتباط با یکدیگر و در زمینه‌های اجتماعی نادیده انگاشته می‌شوند و تعاریف جدیدی می‌یابند. در این میان منفعت هر شهر در داشتن حداکثر ارتباطات خواهد بود و هر کشوری که خود را منزوی می‌سازد پیشرفت خود را سد می‌کند (Bastie, 2003, p. 110). گیدنز این مطلب را به گونه‌ای دیگر عنوان می‌کند و این جهانی شدن را تا حد زیادی نتیجه برد جهانی رسانه‌های ارتباطی و بخشی از توسعه نظام اطلاعات جهانی مبتنی بر تولید، توزیع و مصرف اطلاعات می‌داند (Giddens, 2006, p. 592).

در این خصوص «مارشال مک لوهان» معتقد به پیدایش «دهکده جهانی» است که در آن شهر به عنوان یک کالبد و فرم با ابعاد وسیع و عظیم کم‌کم تحلیل می‌یابد، مانند تصویری که آهسته‌آهسته تار و محو می‌شود (Sabri, 2000, p.16)، جایی که بیش از هر چیز نیاز به نگرش نوینی به شهر به عنوان یک آلیاژ یا مخلوطی از روابط اهمیت می‌یابد و در آن موارد ثابت، کمی و قابل دیدن زندگی در فضاهای شهری دائماً با دیگر موارد کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری در ارتباط‌اند و سیاست‌ها و استراتژی‌های جدید به نحو بی‌سابقه‌ای توجه خود را معطوف به شکل‌گیری مکان‌های شهری و فضاهای الکترونیکی نموده‌اند. به تعبیر ویلیام میشل این فضاهای الکترونیکی هر نوع فرم هندسی را انکار می‌کنند و فضاهایی ذهنی و منطقی را شکل می‌دهند (Puglisi, 2007, p. 91). فضایی که به واسطه ایجاد این ارتباطات شکل می‌گیرد، فضای سایبر نامیده می‌شود. این فضاها را می‌توان مکانی دانست که نوعی ارتباط اطلاعاتی در آن به وقوع می‌پیوندد. چنین فضاهایی کارکردهایی دارند که به نظر می‌رسد برخی از آن‌ها با کارکردهای فضای شهری همپوشانی داشته باشد، در این حالت توسعه شهر با فضای سایبری معنا پیدا می‌کند. به همان صورتی که صنعتی شدن و حمل‌ونقل مکانیکی، الگوهای قدیمی شهری را گسیخت و دوباره شکل داد، این جابجایی از فضاهای پیش از دوران الکترونیک به فضاهای سایبر نیز مطمئناً مناظر شهری قرن جدید را شکل جدیدی خواهد بخشید. این فضاهای الکترونیکی منجر به تجزیه و فروپاشی تیپ بسیاری از بناهای سنتی و ترکیب دوباره بناهای باقی‌مانده با تدابیری رایانه‌ای و شبکه‌های ارتباط از راه دور و برخی نرم‌افزارها خواهند شد و بدین ترتیب متغیرهای بی‌سابقه‌ای را تولید خواهند کرد (Mitchell, 2001, p. 103). می‌توان گفت با نوعی جانشین‌سازی روبرو می‌شویم، نوعی جانشینی سیلیکونی و نرم‌افزاری که نتیجه آن حذف وزن و جنسیت مادی از فضا است.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی شهر پیشا اطلاعاتی و اطلاعاتی

شهر پیشا اطلاعاتی	شهر اطلاعاتی
جامعه سرمایه‌داری	جامعه سرمایه‌داری اطلاعاتی
ثروت و قدرت به مثابه شاخص برتری	اطلاعات داشتن به مثابه شاخص برتری
اقتصاد سخت‌افزار	اقتصاد نرم‌افزار مبتنی بر ارتباطات (شبکه‌ای)
مالکیت متمرکز	مالکیت غیرمتمرکز
توسعه بر مبنای سخت‌افزار	توسعه بر مبنای نرم‌افزار
بافت کالبدی	بافت الکترونیکی + الکترونیکی: شهر آلیاژ- شهر هیبرید ^۶
ارتباطات رو در رو	ارتباطات اطلاعاتی (نوع جدیدی از ارتباطات مردم با یکدیگر)
لایه دسترسی فیزیکی در فضای شهری	نرم‌افزار به مثابه دسترسی فضای جریان‌ها
فضای مکان‌ها	

۲-۲- تحولات ارتباطی، فضاهای سایبری و فضاهای شهری

فضاهای سایبر استفاده‌های فضاهای فیزیکی و زمان‌های واقعی را به شکل نو در خواهد آورد. شایگان معتقد است این تحولات جدید باعث می‌شود از واقعیت به مجاز گذر کنیم، یعنی به وضعیتی برسیم که در آن زمان و مکان در هم فشرده می‌شوند تا یک زمان واقعی و آنی بی‌واسطه ایجاد کنند (Shayegan, 2005, p. 332). در این مسیر آنچه وجود دارد وحدت زمانی است اما وحدت مکانی وجود ندارد و بدین ترتیب کثرت زمان‌های محلی از بین می‌رود. شاید بتوان گفت خصوصیت

بارز چنین جریانی تسلط بر محدودیت‌های زمانی و مکانی است، این فضاها به علت بی‌شکلی ناشی از غیرمادی بودنشان که ذات نرم‌افزار است امکان برقراری هر نوع کارکردی را در اختیار می‌گذارند و در این راستا هیچ عملی را به فضا غالب نمی‌کنند چون فضا بیشتر تحت تأثیر نوشتار الکترونیک خواهد بود و هر ساعت و هر روز می‌تواند با توجه به انتظارات مترتب به گونه‌های استعاره‌ای بازنویسی شود و صورتی جدید نشان دهد.

به تعبیر پوگلیسی در چنین حالاتی فضا صرفاً به «نوعی وضعیت» بدل می‌گردد (Puglisi, 2007, p. 75). این فضا را می‌توان به نوعی عرصه عمومی تلقی کرد، یعنی قلمرو عرصه عمومی به بستر روابط از راه دور هم منتقل می‌شود و به این ترتیب فضاهای الکترونیکی و مکان‌های شهری هر کدام در جای خود با کیفیت‌های خاص خود به زندگی شهری قوام می‌دهند. البته باید توجه داشت این دو موازی هم طراحی شوند تا باعث حذف روابط اجتماعی شهری نشوند زیرا بعضی از جامعه‌شناسان معتقدند که این امر تأثیر منفی روی احساس اجتماعی بودن دارد (Graham, 1996)، اما به هر حال کاربست این فضاها در شرایط جدید امری گریزناپذیر خواهد بود. این امر می‌تواند به صورت همپوشی فضای دیجیتال و ارتباطات مجازی ناشی از آن با واقعیت موجود و در نقش فضای مکمل شهری برای افزایش بهره‌برداری از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی به شمار رود و در قالب فضاهای شبکه‌ای به نام هیبرید صورت پذیرد. محیط‌های هیبریدی حاصله به این صورت فضاهایی چندوجهی هستند که در یک زمان حقیقی- مجازی، محلی - جهانی، ملموس- انتزاعی است (Emami, 2004, p. 124). چنین چشم‌اندازهایی از مدنیت و محیط‌های عمومی را می‌توان به عنوان زیرساخت‌های ویژه برای کارهای اساسی و بنیادین در آینده مورد بهره‌برداری قرار داد و همه این‌ها یعنی دگرگونی عرصه عمومی و ارتقای پیچیدگی شهرها.

جدول ۲: مقایسه برخی مفاهیم در عصر مجازی سازی

جهان مجازی سازی	جهان پیش از مجازی سازی
حوزه عمومی فضای سایبری انسان‌شناسی سایبرنتیک (نوع جدیدی از انسان‌شناسی) هویت ریزومی ^۷ عرصه شهری: هر زمان می‌تواند هر کجا باشد	حوزه عمومی فضای شهری انسان‌شناسی شهری هویت یگانه عرصه کالبدی- فضایی شهری
دنیای سایه ناشی از فضاهای الکترونیکی جریان دائمی حرکت الکترون‌ها و فوتون‌ها محسوریت اطلاعاتی مانیتور کلمه عبور ^۸ به عنوان مجوز ورود ارتباطات منطقی زبان نرم‌افزار فضای نرم هنر معماری هیبریدها (عینی و کالبدی+ مجازی و غیرکالبدی) زبان برنامه‌نویسی بی‌شکل	دنیای آشکار جابجایی فیزیکی در شهر محسوریت دروازه‌ای دروازه پاسپورت به عنوان مجوز ورود در و خیابان فضای سخت هنر معماری فضاها فن ساختمان شکل مشخص
<p>اصل شکل‌دهنده شهر تحت تأثیر مجازی سازی</p> <p>روی هم قراردعی^۹ لایه‌های مختلف در هر حوزه ← چندانلیگی^{۱۰} ← شهر کولاژ^{۱۱}</p>	

۱-۳-۲- شهر جهانی (صورتی از شهر اطلاعاتی)

(شهر جهانی نتیجه اقتصاد جهانی برخاسته از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات)

شهر جهانی به عنوان صورتی جامع، زاینده قابلیت‌های انقلاب تکنولوژیکی و تحولات ارتباطی شناخته می‌شود. لذا در بحث پیرامون تأثیرات لایه فناوری اطلاعات در فضای شهرسازی، تحقیق و مذاقه مفاهیم و ظرایف شهر جهانی و تحولات کالبدی و غیر کالبدی ناشی از آن قابل طرح است.

سخن از ظهور جهان شهرها به عنوان یک دوره جدید در توسعه کیفی شهرهاست. فریدمن سخن از فرضیه جهان شهر^{۱۲} (۱۹۸۶) مبتنی بر سازمان فضایی تقسیم بین‌المللی کار می‌کند، ساسن با بازنگری فرضیه فریدمن مفهوم شهر جهانی^{۱۳} (۱۹۹۱) را طرح و آن را مبتنی بر شرایط اقتصادی متحول شده از تسلط تکنولوژی اطلاعات و افزایش ارتباط بین شهرها

و جوامع گوناگون به دلیل پیشرفت تکنولوژی از یک طرف و جابجایی و انتقال آسان سرمایه می‌داند. فرایندی ویژه درباره اقتصاد بدون مرز که از عناصری چون سرمایه، کالا، مواد خام، کار و توریسم است نشأت می‌گیرد. تغییری که نتیجه خط مشی شتابان دولت‌ها در جهت خصوصی‌سازی و آزادسازی، بازکردن درهای اقتصاد ملی به سوی شرکت‌های خارجی و غیردولتی (خصوصی‌سازی) و از دیگر سو افزایش همیاری و مشارکت فعالان اقتصاد ملی در بازار جهانی بود. در حالی که فریدمن بر ارتباطات بیرونی جهان شهر و وابستگی متقابل در یک ساختار شبکه‌ای یا سلسله مراتبی متمرکز شده است، ساسن بر تأثیر ارتباطات فزاینده بین‌المللی بر ساختار درونی یک شهر واحد متمرکز شده است (van der Knaap, 2007, p. 89). کاستلز با پذیرش شهر جهانی ساسن، مقوله جامعه شبکه‌ای^۴ و فضای جریان‌ها (۱۹۹۶) را به عنوان ریخت‌شناسی نوین اجتماعی جوامع در عصر اطلاعات مطرح می‌کند و شهر جهانی را نیز به مثابه یک پدیده شبکه‌ای تعریف می‌کند که در آن مراکز شهری در یک شبکه جهانی به هم متصل شده‌اند. در این نگاه سخن از نظام‌های شهری و نیروهای تأثیرگذار فراکشوری خاصه «اقتصاد شهری بین‌المللی» است که آینده شهر را به یک نظام بین‌المللی گره می‌زند. حالتی که توسعه در آن بیشتر مبتنی بر جهانی شدن است تا ملی ماندن.

جدول ۳: تغییر مفاهیم در جهانی سازی

روند شکل‌گیری: تسلط تکنولوژی..... افزایش ارتباطات..... انتقال آسان سرمایه..... شهر جهانی	
دوره پیش از جهانی‌سازی	دوره جهانی‌سازی
اقتصاد محلی بازار محلی، ملی، منطقه‌ای انحصار طلبی دولت‌ها مالکیت متمرکز بودن در شهر وابستگی اقتصاد شهر به اقتصاد ملی اجتماعات محلی سیاست ملی پیوستگی جغرافیایی مهاجرت به عنوان عاملی نه چندان تعیین‌کننده و معمول	اقتصاد بدون مرز شبکه‌ای بازار جهانی دیجیتالی رویه خصوصی‌سازی مالکیت غیرمتمرکز بودن در محیطی مملو از اطلاعات استقلال اقتصاد شهر از اقتصاد ملی اجتماعات فراملی (تحت تأثیر مهاجرت) سیاست فراملی پیوستگی شبکه‌ای مهاجرت به عنوان پایه اقتصاد سیاسی و عاملی در فرایند جهانی‌سازی
متأثر از جهانی شدن شاهد تغییر در الگوی مراکز شهری..... نوع جدیدی از مرکز..... پراکندگی جغرافیایی..... حومه‌نشینی خواهیم بود.	

جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی مستلزم ایجاد نوعی سازمان‌دهی جدید ریشه‌ای است و برای دستیابی به این مهم نیاز به تفکر جدیدی در شهرسازی وجود دارد که ایجاد شهر جهانی و شهر-منطقه جهانی جزء مفاهیم اصلی و اولیه در آن باشد. در چنین شرایطی می‌توان شکل‌گیری مراکز فرا منطقه‌ای را (که قسمتی از آن در فضای دیجیتالی «مجازی» و قسمتی به صورت حقیقی و از طریق روابط اقتصادی ناشی شده است) در شبکه شهرهای جهانی ببینیم. این شبکه‌ها که مراکز بزرگ تجاری جهان را در خود جای داده‌اند باعث ایجاد تعریف جدیدی از جغرافیا و حتی مرکز شهر می‌شوند و یا در قالبی دیگر کمک گرفتن از فضاهای الکترونیکی برای تولید مراکز، ارتباط بین محیط دیجیتالی و محیط حقیقی را بسیار پیچیده می‌کند و در بخش‌های مختلف شکل‌های گوناگون را سبب می‌شود (Sassen, 2001, p. 106). تحت تأثیر تسلط فن آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر فضا همزمانی بدون همجواری فضا ممکن می‌گردد. لذا در این دوره شکل غالب فضا دلالت بر مکان‌ها ندارد بلکه وابسته به فضای جریان‌ها است (Csatells, 1996, p. 412). آنچه در دهه ۸۰ و دهه ۹۰ میلادی اتفاق افتاد بازادغام فضای مکان‌ها با فضای جریان‌ها در ترکیبی فضایی جدید و متفاوت از گذشته است که تغییرات مهمی را در ساختار درونی شهر و طبیعت ارتباطات آن سبب شده است. تغییر الگوی فضایی از ساختارهای همگن به ساختارهای ناهمگن گسترده، از شهر تک مرکزی به فضای شهری چند مرکزی و کم رنگ شدن مفهوم هندسه دکارتی متأثر از کاربست ارتباطات الکترونیکی. نتیجه نزدیک تر شدن مکان‌های دور و متقابلاً در برخی موارد قرارگیری برخی مکان‌های نزدیک در فواصل دور است. سخن از تغییر نقش فاصله و «مرگ فاصله» است. در این نگاه مفهوم فاصله به مقوله‌ای چندبعدی در مقیاس‌های مختلف تغییر می‌کند که تنها محدود به وجه فیزیکی آن نیست و همزمان جنبه‌های عملکردی و فرهنگی آن را نیز در بر دارد (van der Knaap, 2007, p. 91).

جدول ۴: ابعاد مقوله جهانی شدن

ابعاد مقوله جهانی شدن	چالش‌ها	مزیت‌ها
بعد سیاسی	سیاست جهانی واحد: یکپارچه شدن جهان در ابعاد سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و حذف مرزهای قراردادی... سرنوشت همه بخش‌های کره زمین از طریق شبکه به هم گره می‌خورد شبکه جهانی شهرها... فراجغرافیای نوین... فروپاشی کشورها یا چالش بین عملکردهای بین‌المللی سکونتگاه‌های کلان و قلمروهای آن‌ها. (دولت‌های ملی دیگر تنها نهاد تأثیرگذار بر زندگی و عقاید مردم نیستند)	دولت ملی دیگر تنها نهاد مسلط بر فراکارکردهایی که مرزها در می‌نوردند نیست: World Bank World trade organization
بعد اقتصادی	اقتصاد جهانی واحد: سرمایه نیروی کار، مواد اولیه، تولیدات، تفکر، اندیشه، فرهنگ سریعاً در اختیار جوامع قرار می‌گیرد... تغییر مفهوم دهکده جهانی به کارخانه جهانی پیدایش مراکز مالی بین‌المللی... جهان شهرها (Cosmopolis)... در این شهرها علاوه بر خدمات مالی، خدمات مولد پیشرفته (حسابداری، تبلیغات، بیمه، حقوق بازرگانی و بازاریابی) جهت ارائه به سرمایه جهانی جمع شده‌اند... مراکز تولید و مصرف و خدمات محلی را در یک شبکه جهانی منسجم به هم مرتبط کرده‌اند و به سبب جریان‌هایی که از میان آن‌ها می‌گذرد ثروت، کنترل و قدرت را در خود متمرکز کرده‌اند... مجمع‌الجزایر ثروتمندی از نواحی شهری... قطبی شدن هر چه بیشتر ثروت (متخصصین جهان‌شهرها به عنوان یک طبقه برتر نوین) جهانی شدن پدیده‌ای نابرابر است. تأثیر آن بسته به عواملی چون زمان، پایگاه اجتماعی افراد و شیوه‌های زندگی در فضاهای مختلف متفاوت است و ممکن است حاشیه‌ای شدن (marginalization) به اندازه جهانی شدن حادث شود مکان‌هایی که بیشتر جهانی شده‌اند شانس بیشتری در بهره‌بری از فرآیندهای جهانی شدن دارند درحالی‌که مکان‌هایی که کمتر جهانی شده‌اند بعضاً چنین فرصتی را از دست می‌دهند - تغییر روند جهانی در تولید کالا و خدمات با کاهش متداول کار کردن مردان در اروپا و آمریکای شمالی و افزایش طبقه جدید کاری زنان جنوب و شرق آسیا توأم شده است. - پیوند بین طرح‌های شهری و بین‌المللی کردن سرمایه	- کارکرد فراملی شرکت‌های چندملیتی و تقسیم‌بندی جدید عرصه کار بین‌المللی و انتقال بخش‌های تولیدی از اقتصاد توسعه‌یافته به در حال توسعه - اقتصادهای ملی در کشورهای در حال توسعه به شکل برد- برد است، چرا که تولیدات و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، کارآمدی اقتصادی، وضوح سیاسی و در مجموع رقابت‌پذیری را افزایش می‌دهند - جریان‌های سریع سرمایه را در سراسر جهان در بر می‌گیرد و افزایش زنجیره کالا و خدمات از راه مرزها اتصال و پیوند میان اقتصاد کشورهای مختلف را افزایش می‌دهد. - ساسن: شهرهای جهانی به عنوان مراکزی برای سیستم‌های جدید کنترل و هماهنگی و مدیریت و مکان‌های تولید خدمات تخصصی از جمله حسابداری، خدمات مالی و مشاوره - وجود زیرساخت‌های تجاری بازار که انباشتگی عرضه و تقاضا، ایجاد محیطی نوآور، خدمات حمایتی برای تجارت و جذب نیروی کار کاملاً ماهر
بعد فرهنگی	فرهنگ جهانی واحد: Americanization (Coca-Cola, Nike, Apple Mac, Burger king, Hollywood) Commodofication Homogenization ویژگی‌های فرهنگی از شکل منطقه‌ای و بومی خارج شده است دنیایی که از نظر فرهنگی در حال جهانی شدن است، فرآیند پیچیده‌ای از خلق فرهنگ‌های منطقه‌زدایی شده است که در مکان‌های مختلف قلمروهای جدیدی می‌یابند جهانی شدن برای توجیه ساختار شکنی هنجارهای اجتماعی، سنت‌های سیاسی و ارزش‌های اجتماعی استعمال می‌شود - ادبیات جهانی شدن و نوشته‌های شهری در کانون اصلی خود هنوز به طور موشکافانه‌ای بر مبنای انگلیسی-آمریکایی قرار دارد - فرهنگ‌های جهانی مادر شهری می‌تواند به عنوان مشترکات روزافزون میان مادر شهرهای بزرگ جهان گسترش یابد.	فرهنگ جهانی ترکیبی از فرهنگ‌های چندگانه با منطقه بندی مجدد است تا یک فرهنگ یکپارچه صرف که بازتاب سلطه فرهنگ آمریکایی است. - ترکیب هویت‌های ملی و محلی با هویت جهان وطنی - می‌توانیم دنیایی مملو از مباحث محیط‌گرایی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی در نتیجه رشد احساس جامعه جهانی و استانداردهای جهانی در این زمینه داشته باشیم.

Short (2006)

۲-۳-۲- فرهنگ و هویت در عصر اطلاعاتی و جهانی شدن

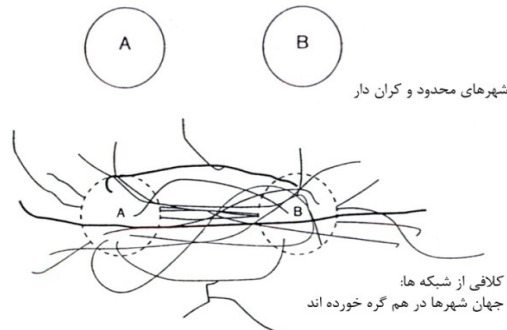
مفهوم جهانی شدن مفهومی دو بعدی و به شدت پارادوکسیکال است. درون‌زایی یا محلی کردن پویایی‌های جهانی و ملی‌زایی از پدیده‌هایی که از لحاظ تاریخی به عنوان ملی شکل گرفته‌اند و ممکن است هنوز هم به عنوان ملی تجربه شوند (Held & McGrew, 2009, p. 147)؛ یعنی از طرفی جهانی شدن با فرهنگ جمعی^{۱۵} همراه است، چیزی که حاصل فرآیند تولید انبوه، بازاریابی و مصرف‌گرایی است و در این راستا مکان‌ها و فرهنگ‌ها را یکنواخت و یک شکل می‌سازد (Carmona, 2003, p. 102) و از دیگر سو با تأکید بر ویژگی‌های محلی سعی در کثرت‌مداری و چندشکلی بودن دارد. بسیاری از گردانندگان سیاسی و اقتصادی جریان جهانی شدن معتقدند فرهنگ سبب ایجاد حس تمایز و تفاوت می‌شود و این شهرها را مطلوب تر و به رقابتی شدن آن‌ها کمک می‌کند لذا جهانی شدن در ایجاد این تمایز، اجزا مشخصی از شهرها مثلاً زبان و موسیقی سنتی‌شان را حفظ کرده و دیگر اجزا را در قالب‌هایی مرکب در شکل‌های جهانی می‌آمیزد (Zukin, 2009). «جهانی بودن» به معنای درک و فهم میراث جهانی است که حفظ آن بدون گفتگو کردن با آن ممکن نیست (Jahanbagloo, 2007, p. 1). تاملینسون ایده جهان‌وطنی^{۱۶} را در این خصوص مطرح می‌کند و آن را به معنای شهروند جهان بودن و داشتن مشربری فرهنگی می‌داند که به علایق محلی محدود نمی‌شود، بلکه تعلق، دخالت و مسئولیت جهانی را به رسمیت می‌شناسد (Tamlinson, 2002, p. 254). با این نگاه تمام انواع فرهنگ‌ها و ایده‌های مختلف، به طور مداوم در حال طی فرایندهای ترکیب شدن و ایجاد فرهنگ‌ها و معماری‌های وابسته‌ی مرکب یا هیبریدی هستند. در اینجا، جهانی و محلی به طور متقابل و دوطرفه باهم ترکیب می‌شوند و ایده جهان-محلی سازی و مکان‌های هیبریدی مطرح می‌شود (Hatuka & Forsyth, 2005).

نوربرگ شولتز با تأکید بر امتزاج هویت مکان‌ها و هویت اشخاص تغییر در هر یک را سبب تأسی دیگری می‌داند و معتقد است مکان در واقع برای تعریف هویت فرد به کار می‌رود و لذا هویت مکان و هویت افراد لازم و ملزوم هستند (Norberg-Schulz, 2003, p. 115). با این تعبیر ویژگی‌های خاص مکان‌های دگرگون‌شده در عصر اطلاعات و جهانی‌سازی و تأثیر آن بر روابط انسان‌ها با یکدیگر و با فضا، آنچه را که به عنوان مقوله هویت می‌شناسیم، دستخوش باز تعریف‌های جدیدی می‌کند. در فضای شهر جهانی امروز و تحت تأثیر فضاهای اطلاعاتی صحبت از فرهنگ واقعیت مجازی^{۱۷} است که در آن هویت در چارچوب انتقال نمادها به وسیله واسطه‌های الکترونیک مطرح می‌شود (Castells, 2001, p. 87) که نتیجه‌اش از دید شایگان آمیزش اقوام و به وجود آمدن چندگانگی فرهنگی^{۱۸}، نوعی فرا فرهنگ^{۱۹} و ظهور انسان‌هایی با هویت مرکب و چهل‌تکه^{۲۰} است (Shayegan, 2005, p. 136). به تبع این آمیختگی زبانی و نژادی هویت فضاهای شهری به عنوان صورتی از مکان و به عنوان عاملی ملزوم هویت افراد، تأثیر پذیرفته و دگرگون می‌شود. البته باید توجه داشت که این موضوع نسبی است. هر چند زمان و فضای امروزی گونه‌های مختلف هیبریدی می‌سازند اما این موضوع الزاماً تعلق شخص به فضا و یا چند فرهنگی شدن آن را تضمین نمی‌کند و یا به عبارتی این فرضیه که محیط‌های هیبریدی به راحتی پذیرای گرایش‌های متعدد گرا و یا چند فرهنگی هستند، باید از ابتدای آن مورد تردید واقع گردد. افراد هیبریدی همیشه مکان‌های هیبریدی نمی‌آفرینند، همچنان که مکان‌های هیبریدی نیز همیشه برای افراد هیبریدی مکان‌های مناسبی نیستند (Hatuka & Forsyth, 2005)، اما در خصوص یک جریان می‌توان تا حدی مطمئن بود و آن ظهور الگوهای فرهنگی جدید است.

۲-۳-۳- منطق ارتباطی در شهرهای جهانی (بازنگری در مفهوم حد و مرز)

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد در عصر جهانی شدن سخن از وابستگی متقابل شهرها در ساختاری شبکه‌ای است. در تبیین ماهوی منطق این ساختار، فلسفه پسا ساختارگرایی ژیل دلوز^{۲۱} با بیان مفهوم ریزوم^{۲۲} می‌تواند راهگشا باشد. ریزوم تفکری افقی و نظامی فاقد مرکز و رده‌بندی است. تجمعی از جهت‌های مختلف که نه آغازی دارد و نه پایانی، همیشه در بین راه است و ماهیت آن بی‌وقفه تغییر می‌کند و عامل دگردیسی دائمی است (Shayegan, 2005, pp. 144-150). جایی که مرزها، مقیاس‌ها و قلمروها ناپدید می‌شوند و غشایی زنده با انبوهی از سطوح و چین‌خوردگی‌ها زمان و مکان را می‌سازد. فلسفه چندلایگی (فولد) دولوز تصدیق می‌کند جهان پیچیده است، نه به عنوان کلیتی که شامل بخش‌های مجزا است، چیزی که به شیوه‌های مختلف تاخورد شده باشد. دلوز به چیزها به عنوان مجموعه از خطوط می‌نگرد که برای تقاطع کردن ساخته شده‌اند. در فلسفه او نقطه به طور مستقل وجود ندارد و خط چیزی بین دو نقطه نیست. نقاط جایی هستند که چندین خط تقاطع می‌کنند. خطوط هیچ‌گاه به طور یکسان حرکت نمی‌کنند و نقاط چیزی غیر از تغییر جهات خطوط نیست، لذا نقاط هیچ‌گاه در آغاز و پایان جای نمی‌گیرند بلکه در میانه‌ها هستند. صحبت از خطوطی است که جهانی شدن و شهر را می‌آمیزند. آنچه مورد علاقه دلوز است چین‌خوردگی‌ها است. هزار توی چین در چین بی‌نهایت که پدیدآورنده توپولوژی جهان به عنوان یکی از فرآیندهای درهم‌شکننده افسانه مرزها، محدودیت‌ها، همیشگی بودن و ثبوت است. آنچه مهم است اینکه همه لایه‌ها و چین‌خوردگی‌ها در تفکر ریزومی به طور یکسان اهمیت دارند و درجه یک و درجه دو، ضروری و غیرضروری، ساختاری و تزئینی و اصلی و فرعی ندارند. مفهوم دور و نزدیک در جایگزینی نظریه متریک فضا با

نظریه توپولوژیک کم رنگ می‌شود، جایی که مقوله فضا - زمان به صورت چین‌خورده، فشرده و چندبعدی مطرح است و پیکربندی فضایی توپولوژیک جایگزین گونه هندسی آن می‌شود. با جهانی شدن، هر رویدادی می‌تواند آثار غیرمنتظره، نامتناسب و ناگهانی داشته باشد که اغلب به لحاظ زمانی و فضایی از زمان و فضایی که حادث می‌شوند دور هستند. جایی که شهر در همه جا و در هر چیز جاری است، بازنگری مفهوم "حد و مرز" اجتناب‌ناپذیر است.



(Smith, 2009)

دیگرام ریچارد اسمیت (شکل ۱) سعی در نمایش شهرهای جهانی با ویژگی‌های خاص ریزومی دارد که هیچ‌گاه به صورت سطوح، قلمروها، دسته‌ها، ساختار و سیستم قابل تصور نیستند. شبکه‌ای که نه از طریق نقاط، خطوط و مرزها بلکه به صورتی بی‌شکل، بی‌سازمان در فرآیند شکل‌دهی و شکل‌زدایی و گریزان از دسته‌بندی‌های ثابت، قابل قیاس با ریزوم دلوژ در حرکت دائمی و دستخوش تغییر شکل‌های پیاپی هستند. در این نگاه شهرها سایت‌های فرا محلی مرکب و متخلخلی هستند که با خطوط بلند و کوتاه و پایدار و ناپایدار شبکه‌های مختلف باهم در تعامل هستند (Smith, 2009). سخن از تغییر از تمرکز بر شهرهای منفرد به شهرها به عنوان جزئی از سیستم‌های شهری است. شهرها و مناطق شهری دیگر به عنوان جزایر منفرد با محیط‌های کوچک تر پیرامونشان مطرح نیستند. شهرهای مشابه به لحاظ اندازه و عملکرد به عنوان یک ارگان به هم متصل شده‌اند. صحبت از جامعه‌ای شبکه‌ای است که فعالیت‌های مرتبط آن در یک زمان، در مقیاس‌های مختلف و به طور فزاینده‌ای در موقعیت‌هایی خارج از مرزها حادث می‌شوند. شهری بیست و چهار ساعته که در این حالت بدون مرز شده است. در حالت ایده آل در سیستم سنتی مکان مرکزی، شهرهای مشابه در سیستم - به لحاظ اندازه شهر و سطح سلسله‌مراتب - بسته‌های فعالیتی و کالایی مشابهی را ارائه می‌کنند و شهرها معمولاً بر این اساس رده‌بندی می‌شوند حال آنکه در ساختار شبکه‌ای، شهرها معمولاً در یک زمان در سلسله‌مراتب مختلفی شرکت می‌کنند. تأثیر این تغییرات برای یک شهر، وابستگی فزاینده به شبکه‌های شهرها بجای تعداد محدودی از شهرهاست. منظور شبکه‌هایی است با مقیاس‌های مختلف در طیف وسیعی از شبکه‌های محلی و منطقه‌ای تا شبکه‌های جهانی. ماحصل فضایی این تغییر از ساختار سلسله‌مراتبی به ساختاری شبکه‌ای، پراکندگی و ناهمگنی فزاینده فضا است. سیستم‌های شهر در این شرایط ساختارهای سیالی شده است که با ترکیب تسلط‌های سلسله‌مراتبی و سازمان شبکه متمایز می‌شود. در سیستم مکان مرکزی اندازه و عملکردهای اقتصادی شهر ثابت است و این سبب بی‌انعطافی ساختاری می‌شود حال آنکه در یک ساختار شبکه‌ای، اندازه شهر حالتی خنثی دارد و عملکرد آن ثابت نیست. شهرها در آن می‌توانند از اثرات خارجی شبکه بهره گیرند و دارای عملکردهایی شوند که نامرتب با اندازه واقعی‌شان و بر مبنای اندازه‌ی وام گرفته آن‌ها از شبکه است (van der Knaap, 2007, pp. 93-95). بدین ترتیب مؤلفه‌های گوناگون جهانی شدن موجب بی‌ثباتی سلسله‌مراتب مقیاس‌های قدیمی تر می‌شوند، مقیاس‌ها و سلسله‌مراتبی که از طریق رویه‌ها و طرح‌های قدرت دوره‌های گذشته تشکیل شده بود و سرانجام مقیاس ملی در آن‌ها نقش برتر را داشت (Held & McGrew, 2009, p. 136).

جدول ۵: سیستم های مرکزی در مقابل شبکه ای

سیستم های مکان مرکزی در مقابل سیستم های شبکه		
سیستم مکان مرکزی	سیستم شبکه‌ای با سلسله‌مراتب چندگانه	
مرکزیت	وابستگی به گره	کیفیات کمی
وابستگی به اندازه	خنثی بودن اندازه	
تفوق	انعطاف‌پذیری	
خدمات و کالاهای همگن	خدمات و کالاهای ناهمگن	کیفیات اقتصادی
قابلیت دسترسی عمودی	قابلیت دسترسی افقی	
جریان‌های متمرکز یک سو به اصلی	جریان‌های دوسویه و ساختار پراکنده	
هزینه‌های حمل‌ونقل	هزینه‌های اطلاعات	کیفیات فضایی
متمرکز در یک مرکز	نامتمرکز و گسترده	
جدایی شهر و حومه	پیوستگی شهر و حومه	
سلسله‌مراتب‌ها	شبکه‌بندی	
کاربری زمین همگن	کاربری زمین مختلط یا موزاییک، فضای چند پاره	

(van der Knaap, 2007)

طیف وسیع شبکه‌های اتصال، در یک تقسیم‌بندی و بر حسب ویژگی‌ها، قابل تقسیم به شبکه‌های فیزیکی، شبکه‌های موسساتی و شبکه‌های عملکردی می‌باشند. شبکه‌های فیزیکی شبکه‌های انتقال هستند که جابجایی کالاها، افراد و اطلاعات را برعهده دارند. شبکه‌های موسساتی در مقیاسی کوچک‌تر عمل می‌کنند و معمولاً مبین همکاری دولتی در مقیاس ملی و فراملی هستند و نقش دیگر یعنی شبکه‌های عملکردی مربوط به ارتباطات تجاری درون یا بین شرکت‌ها و موسسات تجاری است که مولد شبکه‌های درون شرکتی و بین شرکتی است که شرکت‌ها و سایر سازمان‌ها مانند سازمان‌های دولتی را به هم متصل می‌کند، لذا شبکه‌های افقی (بین - شرکتی) را به شبکه‌های عمودی (درون شرکتی) متصل می‌کنند. این‌گونه ارتباطات بین شرکت‌ها در مقیاس خرد حادث می‌شود و سازنده شبکه‌های شهری یا منطقه‌ای در مقیاس میانی هستند (van der Knaap, 2007, pp. 98-99). از طرف دیگر باید اشاره داشت در ادبیات مرتبط با ساختارهای شبکه شهری در اصطلاحات مرتبط با مفهوم سیستم شهری سه اصطلاح شهرهای چندهسته‌ای، شهرهای شبکه‌ای و شبکه‌های شهری وجود دارد که اشاره به سه مقیاس فضایی متفاوت دارند. این اصطلاحات در جدول زیر به مقایسه گذاشته شده‌اند.

جدول ۶: سیستم های مرکزی در مقابل شبکه

مقیاس	کیفیات اصلی شهرهای چند مرکزی، شهرهای شبکه‌ای و شبکه شهری		
	شهر چند مرکزی	شهر شبکه‌ای	شبکه‌های شهری
مقیاس	محلی	منطقه‌ای	ملی
واحدهای شبکه (مش)	۵ - ۱۰ کیلومتر	۱۰ - ۳۰ کیلومتر	۳۰ - ۱۰۰ کیلومتر
شکل شبکه (توپولوژی)	ستاره‌ای شکل	مداری	شبکه‌ها در مقیاس‌های متفاوت
نقش شهر مرکزی	غالب	وابسته متقابل	غالب در سطوح بالاتر و وابسته متقابل در یک سطح
بزرگی جمعیت (به طور میانگین)	۱/۵ میلیون ساکن	۳ میلیون ساکن	۶ میلیون ساکن

(van der Knaap, 2007)

۴-۳-۲- تمرکز غیرمتمرکز و قالب‌های جدید مرکزیت

مقولاتی مثل کم رنگ شدن الگوهای معمول تک مرکزی و طرح جدی تر ساختارهای شهری سلسله مراتبی، ظهور تمرکزهای جدید، قطب‌های تکنولوژیکی و مراکز خرد حتی بااهمیت منطقه‌ای، گرایش روشن بسیاری از مادرشهرها شده است (Hojer et al., 2011, p. 71). در مطالعه ادبیات مربوط به شهرهای جهانی در بسیاری از شهرها می‌توان تمرکززدایی را همزمان با تمرکز، ناشی از فرا نظام فعالیت‌های اقتصادی که در تعداد معدودی از شهرها حادث می‌شود شاهد بود. بنابراین فرآیندهای تمرکزگرایی و تمرکززدایی به طور همزمان ولی در مکان‌هایی با سلسله‌مراتب مختلف (سطوح) و جایگاهی متفاوت در شبکه (گره‌ها) حادث می‌شوند. نتیجه این فرآیند همزمان، حذف دسته‌بندی‌های پیشین فعالیت‌های اقتصادی و باز تعریف دسته‌هایی متفاوت از گذشته در موقعیت‌های مختلف درون سیستم است. در این حالت شاهد تمایزات فزاینده اجتماعی و اقتصادی بین شهرها هستیم که مبتنی بر ترکیب دسته‌های کالایی و خدماتی متفاوتی است که ارائه می‌کنند (van der Knaap, 2007, p. 94). به بیان دیگر سخن از مفهوم تمرکز غیرمتمرکز^{۲۳} به شکل چند مرکزی یا چند هسته‌ای است. در تعریفی جامع منظور از تمرکزگرایی در این نظریات، تمرکز عملکردهای جهانی در شهر اصلی منطقه مادر شهری و به ویژه در مرکز اقتصادی آن و منظور از تمرکززدایی انتقال بخشی از فعالیت‌های شهری به هسته‌ها و مراکز شهری دیگر است. یعنی شهر منطقه جهانی در مجموع شامل "مرکز اصلی شهر و فعالیت‌های جهانی متمرکز در آن" و "هسته‌های صنعتی و اداری گسترده در منطقه" است که این گستردگی بسته به شرایط محیطی و جمعیتی منطقه می‌تواند نزدیک به هم یا پراکنده باشند. شهر جهانی، شهری چند مرکزی یا چند هسته‌ای است که از یک هسته مرکزی اصلی که محل جریان عملکردهای جهانی ارتباطات از راه دور است و تعدادی هسته‌های شهری که عمدتاً محل سکونت و جریان زندگی عادی است، تشکیل می‌گردد (Faryadi, 2006). در این راستا، ساختارهای شهر آینده را می‌توان در قالب هسته‌های شهری، مراکز حومه‌ای و حوزه‌های سکونتی کم تراکم شاهد بود (Hojer et al., 2011, p. 107). مفهوم فضایی هسته مرکزی نیز متأثر از تکنولوژی‌های جدید و ترکیبات فرمی وابسته به آن تغییر کرده است. در گذشته و تا همین اواخر هسته مرکزی هم معنای مرکز شهر^{۲۴} بود ولی به انحاء مختلف به وسیله ارتباطات دوربرد و رشد اقتصاد جهانی تغییر کرده است و این دو به گونه‌ای جدی موجب جغرافیای جدیدی از مرکزیت شده‌اند. ساسن این تغییر را در قالب‌های ذیل تبیین می‌کند (Sassen, 2001):

- * زمانی که مرکزیت می‌تواند در قالب ارتباطات فضایی چندگانه فرض شود، مرکز اقتصادی شهر در شهرهایی با موقعیت تجاری بین‌المللی به عنوان مکانی استراتژیک برای صنایع مهم باقی می‌ماند ولی در اثر تغییرات اقتصادی و تکنولوژیکی ممکن است پیکربندی دوباره‌ای پیدا کند. البته اغلب تفاوت‌های فاحشی در الگوهای این پیکربندی دوباره در بخش‌های مختلف جهان وجود دارد.
- * مرکز می‌تواند در قالب شبکه شطرنجی در گره‌هایی با تراکم فعالیتی - تجاری بالا اتفاق بیفتد و در نواحی کلانشهری گسترش یابد و گونه جدیدی از سازمان سلسله مراتبی را به وجود آورد. این گره‌های مختلف متشکل از شبکه‌های دیجیتالی اند. آن‌ها یک همبستگی جغرافیایی جدید از پیشرفته‌ترین نوع مرکز را به نمایش می‌گذارند. محدوده جغرافیایی که درون این گره‌ها وجود دارد به لایه‌های دیجیتالی شبکه مذکور منتقل می‌شود و لذا تا حدی در حاشیه قرار می‌گیرد. در این تحلیل شبکه منطقه‌ای گره‌ها، معرف باز تعریف مفهوم منطقه است.

۵-۳-۲- هم‌شکلی رویه جدید طراحی مراکز در الزامات اقتصادی جهانی شدن

فرم کلاسیک شهری دارای وحدت معنایی بود، حول مرکزی گسترش می‌یافت که نمود کنش‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی، تجاری و فرهنگی بود. پیشرفت ارتباطات و فناوری اطلاعات در اواخر قرن بیستم فرصت پویایی جهانی، انعطاف‌پذیری و تمرکززدایی را به وجود آورد و از اهمیت مکان جغرافیایی کاست. بر خلاف مراکز شهری سنتی که در امتزاج با فعالیت‌های مختلف به گونه‌ای ارگانیک رشد کرده بود مراکز جدید شهری دقیقاً به عنوان ماشین‌هایی برای افزایش بازده اقتصادی برای گردانندگان آن‌ها عمل می‌کنند و بازتاب تجربه‌ای اقتصادی‌اند (Worthington, 2006). در دوره جهانی شدن روشی کاملاً متفاوت درباره‌ی طراحی مرکز شهر اتخاذ شده است، چهارچوب منسجم پیشین به تکه‌های غیر منسجم شکسته شده و کلاژی از ساختارها و فضاهای غیر مرتبط به عنوان رویه‌ای از طراحی شهری که توسط نهادهای خصوصی انجام می‌شود در مرکز شهر شروع به ظهور کرده است که به خاطر طبیعت خصوصی‌اش از هم گسیخته، اپیزودیک، و تکه‌تکه است. این شهرسازی مبتنی بر بازار، بر زیبایی‌شناسی ظاهری تاکید می‌کند و نسبت به زمینه موجود بی‌توجه است. خصوصی‌سازی و وابستگی مفرط به سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و نقش تعیین‌کننده‌ی اولویت‌های این بخش، عامل مهمی در ایجاد توسعه‌ی ناموزون بسیاری از مراکز شهرها شده است. فرم شهری این دوره را می‌توان به عنوان منظر واقعی اقتصاد بازار معنا کرد که در آن هر پروژه سعی در رقابت در مقیاس، طیف عملکردها و بداعت ایده‌ی شکل‌دهنده دارد، چیزی که از الزامات آمرانه حداکثر گرایی سود و بازار است، چون میزان تمایز موضوعی کلیدی در یک محیط رقابتی است. استقلال و جدایی از زمینه، نیروی هدایتگر این نوع طراحی شهری است. به گونه‌ای

جامع تر می‌توان گفت طراحی شهری این دوره منظر منتج از اقتصاد بازار است (Loukaitou- Sideris & Banerjee, 2007). این یعنی بدل شدن فرم مصنوع به یک محصول قابل دادوستد و کالا.

به تبع با ظهور کارفرمایان با خواسته‌های فراملی و حساسیت‌های جهان وطنی حوزه عمل بسیاری از دفاتر طراحی نیز واقعاً جهانی شده و صادرات و واردات خدمات طراحی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. در سوابق کاری بسیاری از این دفاتر، پروژه‌های بین‌المللی وجود دارد. این موضوع در فرآیندهای طراحی معمول در کشورهای در حال توسعه حادث می‌شود زیرا در اغلب آن‌ها سیستم کارآمدی برای هضم دوگانگی محلی - جهانی وجود ندارد و با افراط و تفریط، نتایج طراحی بیشتر اوقات عملاً یا به تقلید از الگوهای منقضی شده قبل ختم می‌شود یا به از خود بیگانگی در مواجهه با الزامات جهانی و این به معنای یک سبک هم‌شکل و تنزل حس مکان و هویت محلی و صلاهی یک دنیای همگون و یکنواخت است (Knox, 2007). فضایی که در آن تحت تأثیر الزامات جهانی شدن تصمیمات بر اساس مسائل اقتصادی و به کمک استاندارد کردن عوامل موثر در طراحی اتخاذ می‌شود منتج به هم‌شکلی و یکنواختی محیط و از دست رفتن معانی مکان‌ها می‌شود. شرایطی که در آن سرنوشت مکان‌های محلی از دور و از طریق افراد ناشناس و نیروهای اقتصادی رقم زده می‌شود. مکان‌های حاصله دوره جهانی شدن صفاتی چون مصنوعی بودن، فقدان اصالت و اشاره به غیر خود را در بطن دارند. فضاهایی که بعضاً دارای شکل یکنواخت جهانی و تکرار و تشابه‌اند و به جای بیان فرهنگ و خصوصیات محلی هر روز بیشتر تحت تأثیر بازار جهانی قرار گرفته و شیوه برخورد تجاری با مکان، آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است (Carmona, 2003, pp. 101-105). به اعتقاد زوکین در این فضا سخن از جریانی از ایده‌ها و راهبردها یا به تعبیری "ایده‌های سیار"^{۲۵} است که بسیاری از سرمایه‌گذاران و توسعه‌دهندگان را متأثر کرده است و چون همواره ایده‌های نو داشتن مشکل است فضای رقابتی جهانی برای متمایز بودن شهر را محکوم به خلق مکان‌های بیشتر و بیشتر می‌کند ولی نهایتاً همه این مکان‌ها شبیه هم می‌شوند، موزه‌های هنر مدرن بیشتر، فستیوال‌های هنری بیشتر، محدوده‌های لوکس و آنچنانی و امثالهم، همه برای متفاوت بودن در نظر گرفته می‌شوند. به تعبیر او این جریان نمادی از مدرنیسم جدید اقتصادی برای جذب سرمایه در رقابت جهانی است که نهایتاً به هم‌شکلی منجر می‌شود (Zukin, 2009). مارشال معتقد است آنچه در این دوره وجود دارد اختلاطی از مدرن، پست‌مدرن و نئوسنتی است ولی در عمل آنچه با آن روبرو هستیم طراحی در چهارچوب تعدادی اهداف محدود و نتیجه‌ای هم‌شکل مبتنی بر نظم شهری خرد گرای مدرنیستی گذشته است (Marshall, 2009, p. 50).

۴-۲- طراحی شهری در فضای دیجیتال شده

ارتباطات از راه دور قابلیت‌های زیادی را برای بهره‌برداری جدید و خلاقانه از فضا به وجود می‌آورند. هر چند این ارتباطات به آسانی جانشین فضا نمی‌شوند ولی آن‌ها نحوه ادراک، استفاده و کنترل فضا را باز تعریف می‌کنند. شهر معاصر در هر دو فضای کالبدی و الکتریکی باز تعریف و باز ترسیم شده است (Graham & Marvin, 1996). تأثیرات تکاملی و انقلابی فناوری اطلاعات و ارتباطات^{۲۶} شکل‌هایی چند مرکزی و فراشبکه شده در نظام‌های شهری منطقه‌ای و جهانی را باعث شده است. موقعیتی که شکل فضایی و زمانی شهر فراصنعتی این دوره را مورد تأکید قرار می‌دهد و ترجمان الگوهای توسعه‌ی زمان-حساس به جای فاصله-حساس است و این همان تعبیر کاستلز از غلبه فضای جریان‌ها به فضای مکان‌ها است (Audirac, 2005). در نگاه‌های پیشین اعتقاد بر این بود که شهر خود را در فرم کالبدی‌اش بیان می‌کند و برای بهبود آن، تحلیل فرم شهر می‌تواند اطلاعات کافی در خصوص اتخاذ رویه‌های مناسب مداخله را ایجاد کند اما شهر قرن بیست و یک چیزی جز اطلاعات نیست و بسیاری از امور در آن رایانه‌ای شده است. شهر مکانش را از دست داده و تمایل دارد هر کجا باشد و هیچ کجا نباشد. تحول، پیچیدگی، اطلاعات، ناگهانی بودن کلیدواژه‌های آن است و این به معنای زبانی جدید و کلماتی جدید برای این شهر است (Boyer, 2011). گوگل ارث، گوگل مپ، گوگل اسکچ آپ، ویکی سیتی و... انواعی از مشارکت‌های جدید در این شهر هستند. با نزدیکی دنیای واقعی و رایانه‌ای و اختلاط علوم کامپیوتر، رفتاری و طراحی به تبع برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز می‌تواند تغییر کند و از فرآیندهایی ایستا به فرآیندهای پویا، نامتمرکز، مشارکتی و خود اصلاح شونده بدل شود (Ben, 2011). سخن از طراحی شهری در قلمرو دیجیتال است، اجتماعات دیجیتالی جهان الفبا^{۲۷} که شهروندان آن اجازه بنا کردن ساختارهایشان را پیدا می‌کنند. شبیه‌سازی ای ساده از سیستم‌های پیچیده خود سازمانده جهان واقعی بر مبنای الگوریتم‌های برنامه‌نویسی.



(Whyte, 2002)



(Ryan, 2004)

این یعنی تغییر و توسعه مفهوم رایج مورفولوژی شهری و چشم‌انداز از آینده‌ای که نقش طراحان شهری در طراحی این اجتماعات مجازی ضروری است (Ryan, 2004)، حال آنکه نظریه‌های موجود طراحی شهری و مشخصه‌های کیفی آن‌ها اغلب مربوط به دوره ما قبل دیجیتال است. لذا انقلاب دیجیتالی و تأثیرات ارتباطات از راه دور بر دگرگونی شهرها و اجتماعات مسکونی را در نظر نگرفته‌اند.

امروزه صحبت از جهت‌گیری‌های جدید طراحی شهری بر مبنای شیوه زندگی دورکاران در اجتماعات مسکونی مجهز شده به زیرساخت‌های فن آوری اطلاعات^{۲۸} است. توسعه‌های مسکونی ای با کاربری مختلط، مجهز شده به اینترنت پر سرعت و کم هزینه که معمولاً با یک اجتماع آنلاین- خرید آنلاین، آموزش الکترونیکی، شهرهای مجازی، کتابخانه الکترونیکی و... - ترکیب شده است. دو مشخصه کیفی طراحی شهری که می‌بایست در این گونه توسعه‌ها مورد تأکید قرار گیرد «تنوع» و «دسترسی» است. تنوع در این قسم از اجتماعات مسکونی می‌تواند موجب شکل‌گیری فضاهای شهری سرزنده و پرهیز از انزوا یعنی بزرگ‌ترین خطر تهدیدکننده دورکاران شود. دسترسی مشخصه کیفی دیگر طراحی شهری عصر دیجیتال است. مفهوم دسترسی مجازی مرز تفاوت‌های بین مکان‌های مختلف را کم کرده و اجازه می‌دهد مردم فارغ از موقعیت استقرارشان باهم در تماس باشند. مفهوم دسترسی مجازی در کنار طبیعت دورکاری نقش سفرهای روزانه کاری را کاهش داده و به دورکاران اجازه انتخاب آزاده‌تر می‌دهد تا دیگر مجبور نباشند انتخاب خانه و محیط مسکونی مطلوب و شیوه زندگی خود را فدای نزدیکی فیزیکی به محل کار کنند. طراحان شهری در عصر دیجیتال می‌بایست اولویت‌هایشان بر متحول کردن ترکیبات همسایگی و مواجهه با شیوه‌های جدید زندگی ساکنان عصر دیجیتال متمرکز کنند (Alizadeh, 2009). طراحی شهری نقش مهمی در معنا دهی و اعتبار دهی به این جهان بدون شکل دارد و طراح شهری در تطابق با این زمینه در حال تغییر با ایجاد معنا از طریق برنامه، ایجاد هویت از طریق فرم و اعمال کاراکتر و کیفیت از طریق کالبد و جزئیات، در یک چهارچوب توسعه، تغییرات را در طول زمان لحاظ می‌کند (Worthington, 2006).

در تبیین این مقولات اجتماعی- تکنولوژیکی نوظهور و فرم‌های فضایی وابسته به آن می‌توان مفهوم مناظر تکنولوژیکی^{۲۹} را به کار برد. منظر تکنولوژیکی در تبیین مناظر محیطی معاصر بیان شده است، مناظری متأثر از کیفیات و عناصر تکنولوژیکی خصوصاً در لایه حمل‌ونقل و لایه فناوری اطلاعات که افراد، فضا و عناصر ارتباط‌دهنده این دو را در ترکیب‌هایی اجتماعی-تکنولوژیکی در بر می‌گیرد (Sheller & Urry, 2006, p. 9). با این همه اینکه این مهم نهایتاً چگونه شکل محیط انسان- ساخت را تغییر خواهد داد هنوز مشخص نیست. یک پیش‌بینی به این ترتیب است که شبکه‌های متحرک فناوری اطلاعات تنها به پراکنده شدن جوامع خواهد انجامید. به این معنا که محل کار به فضای مجازی خواهد انجامید و رشد حومه‌ها بیشتر تشویق خواهد شد (Brown et al., 2009, p. 94).

۳. جمع‌بندی

عصر انقلاب اطلاعاتی و محصل تبعی آن یعنی جهانی شدن، اثرات دور از ذهنی را بر شهر به عنوان شبکه‌ای عظیم از فرآیندها در بردارد که ما تنها شروع به درک برخی از تأثیرات آن نموده‌ایم. مسائلی نظیر خصوصی‌سازی و تحولات الگوهای اقتصادی، تغییر در شیوه‌های جابجایی و معنای حرکت و الگوهای سفر، الگوهای مراکز شهری و صورت‌بندی‌های جدیدی آن‌ها به کمک فضاهای مجازی، تحول در نحوه تعاملات اجتماعی و فرهنگی و ارزش‌هایی مثل هویت، دگرگونی مفاهیمی مثل زمان و مکان، تغییر در شیوه‌های معماری و ارائه تعاریف جدیدی از فرم و فضا و غیره. تحت تأثیر این تحولات تجربه و معنای مکان تحولی بنیادین می‌یابد. به نظر می‌رسد نظامی جدید در حال شکل‌گیری است، نظامی در مقابل نظام شهر صنعتی و پیشاصنعتی سابق. نظامی که ساخت تعاملات، ارتباطات و الگوهای مختلف را در سطوح متفاوت معنا می‌دهد، ولی پیچیدگی حاکم بر آن در هر میزان که باشد از چهارچوب دو منطبق کلی خارج نیست، مجازی سازی^{۳۰} و جهانی‌سازی که متکفل همه این رویدادها اند.

با تقسیم‌بندی شکل شهر در لایه‌های طرح کلی- استخوان‌بندی^{۳۱}، طرح کلی- دانه‌بندی شهر^{۳۲}، منظر و محوطه آرایشی^{۳۳}

شدت تراکم و اختلاط کاربری^{۳۴}، مقیاس - ارتفاع^{۳۵}، مقیاس - توده گذاری^{۳۶}، ظاهر - جزئیات^{۳۷}، ظاهر - مصالح^{۳۸} (By De-sign, 2000, p. 16) می توان به باز تعریف این لایه‌ها تحت تأثیر این نظم جدید پرداخت (جدول ۷).

جدول ۷: تأثیر عصر اطلاعات بر لایه‌های شکل شهر

تغییرات لایه تحت تأثیر عصر اطلاعات	لایه‌های فرم شهر
شهرها تبدیل به نقاط کلیدی می‌شوند که شبکه فضاهای مجازی گسترده در عرصه آن‌ها با دنیای حقیقی مرتبط و متصل می‌شود. شهرها در چندین شبکه زمینی، هوایی، دریایی و دیجیتالی در فرم شهری چندپاره، چند مرکزی و پیچیده و متمرکز بر مرزهای شهر چندملیتی با سیستم جهانی شهری و ناحیه‌ای مرتبط می‌شود. فناوری اطلاعات با فراهم کردن امکان وسیع ارتباطات از راه دور شاید بتواند سفرهای برون واحدهای همسایگی را کاهش و جذابیت‌های محلی را افزایش می‌دهد و با گسترش شبکه‌های درون واحد همسایگی می‌تواند منجر به تشویق تعامل اجتماعی شود.	طرح کلی استخوان‌بندی و دانه‌بندی
دلایل اقتصادی و اجتماعی که به ظهور ابنیه بلندمرتبه در مرکز شهرها می‌انجامد پس از توسعه فناوری اطلاعات کارایی خود را از دست داده است و با کم رنگ شدن پایه منطقی برای وادار کردن افراد به کار جمعی در یک مکان جغرافیایی خاص، نیروی کار در محیط‌های انعطاف‌پذیر به کار اشتغال می‌یابد که در ساعات مختلف نقش‌های متفاوتی به خود می‌گیرد و شاید بتواند شهر فردا را بر مبنای ابنیه سنتی، راحت تر و دوست‌داشتنی تر واجد معنا می‌کند.	مقیاس
ظهور فناوری اطلاعات استانداردهای جدیدی را به دنبال داشته است که اصولاً بر پایه دسترسی پیاده و احترام به ارزش‌های محیطی و اجتماعی طراحی می‌شود. پاره‌ای از فعالیت‌های انسانی که به ابنیه درشت‌دانه و پر تراکم می‌انجامد در تلفیق با فضای مجازی دچار تغییر بنیادی شده است. در مقابل ابنیه چندمنظوره که محصول فن آوری اطلاعات است پا به عرصه حیات گذاشته، که به جای ابعاد غول‌آسا به طراحی مناسبی نیاز دارد.	تراکم و شدت کاربری
آرایش منظر عمومی در پرتو فن آوری اطلاعات احتمالاً به گونه‌ای انعطاف‌پذیر تر از همیشه ممکن شده و عرصه‌های عمومی شهرها می‌توانند عهده‌دار نقش‌های متفاوتی باشند و شاید بتوانند نوآوری‌های طراحانه ای را ممکن سازند.	منظر و محوطه آرایی
مواد و مصالح هوشمند که می‌توانند خود را با شرایط گوناگون وفق دهند صنعت ساختمان را متحول می‌کنند و ظاهر ساختمان‌ها را متفاوت از قبل باعث می‌شوند.	ظاهر

(Alizadeh, 2006)

1. Evolution
۲. Digital Revolution. Communcation Revolution. Scientific-Technological Revolution. تحولات شگرف بنیانی معاصر است. تغییرات عمیقی که از دید بسیاری از صاحب نظران دیگر نمی توان مفهوم Evolution را مانند دوره پیشین در خصوص آن ها به کار برد و در تبیین آن از واژه Revolution که قرین با دگرگونی اساسی است استفاده می شود.
۳. Hyper Architecture: معماری که به مکانمندی سیال، استعاره ای و نمادین همراه با فن آوری اطلاعات در معماری منتقد است.
4. Space of Flows
5. Space of Places
6. Hybrid
۷. Rhizomatoque: ریزوم وار مفهومی است که نخستین بار ژیل دلوز آن را مطرح کرد و در تقابل با نظام های مشخص درخت وار قرار داد. ریزوم در نفس خود متعدد است، تعددی آزاد از قید یگانگی. ریزوم عامل ارتباط و دگرزایی است و امکان ایجاد شبکه ای بی پایان را فراهم می کند، زیرا هر نقطه از آن می توان به دیگر نقاط وصل شود. ماهیت آن پیوسته تغییر می کند و نظامی است غیرقطعی. ضد تبار است، حافظه اش کوتاه زمان است و لذا ضد خاطره است (Shayegan, 2005, pp. 147-149).
8. Password
9. Superposition
10. Folding
11. Collage
12. World City Hypothesis
13. Global City
14. Network Society
15. Mass culture
16. Cosmopolitan
17. Culture of Virtual Reality
۱۸. Multiculturalism: چندگانگی فرهنگی. ترنس ترنر، استاد مردم شناسی دانشگاه شیکاگو به این نتیجه می رسد که چندگانگی فرهنگی پدیده ای است پست مدرن. این پدیده با جهانی شدن اقتصاد پیوسته است و چندگانگی فرهنگی را در تحلیل نهایی یک ظرفیت فرهنگی و توانایی عام انسانی برای خلق ارزش های جدید انسانی می داند.
۱۹. Metaculture: فرا فرهنگ، فرهنگ در این معنای تازه به سطح یک مقوله جهان شمول ارتقا یافته که از فرهنگ های خاص متمایز است، نوعی فرهنگ فرهنگ ها.
۲۰. هویت چهل تکه: حالتی که افراد دیگر ریشه ای واحد ندارند که در سرزمینی خاص فرو رفته باشد. افراد ریزوم هایی می شوند در ارتباط با دیگران، با فرهنگ ها، جهان ها و آگاهی های گوناگون که بر حسب ارتباطاتی که با هم حیطه های فرهنگی مختلف برقرار می کنند، می توانند به شیوه های گوناگون در مکان جای گیرند و شیوه ارتباطشان با مکان، آن ها را با دیگر فرهنگ ها در پیوند قرار می دهد، در چنین حالتی همه چهل تکه هایی می شوند در حال بافته شدن، مجموعه هایی بی شکل از تکه های به هم چسبیده.
21. G. Deleuze
۲۲. Rhizome ریزوم ساقه زیرزمینی بعضی از گیاهان که عامل تکثیر آن هاست. ریزوم هر ساله در جهت افقی رشد می کند و بخش های تازه ای در آن به وجود می آید. به همین جهت ریزوم حتی اگر با آلات کشاورزی بریده شود بر خلاف ریشه نمی میرد بلکه چند گیاه از آن می روید.
23. Deconcentrated Concentration
24. CBD
25. Traveling Ideas
26. ICT
۲۷. Alpha World: جهان آلفا قدیمی ترین اجتماع مجازی مشارکتی در اینترنت و خانه میلیون ها شهروند از سراسر دنیا است. از زمان شکل گیری در سال ۱۹۹۵ تا کنون بسیار رشد کرده و به خاطر اندازه و جمعیت زیادش هزاران مکان دیدنی و قابلیت کاربردی در آن وجود دارد. دنیای آلفا بر خلاف سایر اجتماعات مجازی به کاربرانش اجازه می دهد ساختارها و اشیاء خود را بسازند. جابجایی در این دنیا به صورت Teleportation صورت می گیرد. دنیای آلفا ارتباط تنگاتنگی با جهان واقعی دارد. برای اطلاعات بیشتر می توان به آدرس زیر مراجعه کرد: <http://www.activeworlds.com>
28. Wired residential communities
29. Technoscapes
۳۰. Virtualization: در تعریف مجازی سازی Pierr Levy می گوید: امروزه مجازی سازی حرکتی فراگیر است که علاوه بر اطلاعات و ارتباطات، جسم، چرخش اقتصادی، حساسیت های اقتصادی و کاربرد هوش را نیز در بر می گیرد. مجازی سازی حتی به شیوه های با هم بودن ما نیز دست درازی کرده است. اکنون شاهد پیدایش اجتماع مجازی، موسسات مجازی، دموکراسی مجازی و نظایر آن ها هستیم. موج مجازی سازی از حیطه اطلاعات بسی فراتر می رود. به نظر شایگان مجازی سازی گونه ای دگرجایی را محقق می کند که در هیچ نقشه

جغرافیایی جایی ندارد.

31. Layout-Structure
32. Layout Grain
33. Landscape
34. Density & Mix
35. Scale-Height
36. Scale-Massing
37. Appearance-Detail
38. Appearance- Material

References

- Alizadeh, T. (2006). The Optimal Urban Planning Model in the Age of Information Technology. *Soffeh*, 1(42), 6-19.
- Alizadeh, T. (2009). Urban Design in the Digital Age: A Literature Review of Telework and Wired Communities. *Journal of Urbanism*, 2(3), 195-213.
- Audirac, I. (2005). Information Technology and Urban Form: Challenges to Smart Growth. *International Regional Science Review*, 28(2), 119-145.
- Bastie, J. & Dezert, B. (2003). *La Ville*. (A. Ashrafi, Trans.). Tehran: University of Art Press.
- Ben-Joseph, E. (2011). City Design in the Age of Digital Ubiquity. *Companion to Urban Design*, 261.
- Boyer, M. C. (2011). The Two Orders of Cybernetics in Urban Form and Design. *Companion to Urban Design*, 70-83.
- Brown, L. J., Dixon, D., & Gillham, O. (2009). *Urban Design for a New Century: Place Making for People*. Wiley.
- Carmona, M. (2010). *Public Places-Urban Spaces*. Routledge.
- Castells, M. (1996). Rise of the Network Society (Information Age Series) (Vol 1). *England: Blackwell Published*.
- Castells, M. (2000). The Contours of the Network Society. *Foresight*, 2(2), 151-157.
- Castells, M. (2001). *The Rise of Network Society, the Information Age: Economy, Society and Culture*. (M. Chavoshian Trans.). Tehran: Tarh-e-No.
- Emami, F. (2004). *Design of Public Sphere and Urban Space Based on Information Technology*. Master Thesis. Tehran, Iran: University of Tehran.
- Fakouhi, N. (2008). *Urban Anthropology*. Tehran: Nashreney.
- Faryadi, Sh. (2006). Globalization and Urban Design Presumptions. *Soffeh*, 1(36), 24-36.
- Giddens, A. (2006). *Sociology*. (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Nashreney.
- Graham, S., & Marvin, S. (2002). *Telecommunications and the City: Electronic Spaces, Urban Places*. Routledge.
- Great Britain. Department of the Environment, the Regions, Commission for Architecture, & the Built Environment. (2000). *By Design: Urban Design in the Planning System: Towards Better Practice*. Thomas Telford.
- Hatuka, T., & Forsyth, L. (2005). Urban Design in the Context of Globalization and Nationalism: Rothschild Boulevards, Tel Aviv. *Urban Design International*, 10(2), 69-86.
- Held, D. & McGrew, A. (2009). *Globalization Theory: Approaches and Controversies*. (M. Karbasian, Trans.), Tehran: Nashre Cheshmeh.
- Højer, M., Gullberg, A., Pettersson, R., & Ahlroth, S. (2011). *Images of the Future City: Time and Space for Sustainable Development*. Springer.
- Jahanbagloo, R. (2007). *Globalization: Interviews with 15 Contemporary Thinkers*. Tehran: Nashr-e- Mrakaz.
- Jenckes, Ch. (2005). *The Architecture of the Jumping Universe*. (V. Ghobadian & D. Sattarzadeh, Trans.). Tabriz: Islamic Azad University (Tabriz Branch) Press.
- Knox, P. L. (2007). World Cities and the Internationalization of Design Services. pp.72-86 in P. Taylor, B. Derudder, P. Saey and F. Witlox (Eds) *Cities in Globalization*. London: Routledge.
- Knox, P. L. (2007). World Cities and the Internationalization of Design Services. pp. 72-86 in P. Taylor, B. Derudder, P. Saey and F. Witlox (eds) *Cities in Globalization*. London: Routledge.
- Loukaitou-Sideris, A., & Banerjee, T. (2007). Postmodern urban form. *Urban Design Reader*, 43-51.
- Madanipour, A. (2000). *Design of Urban Space: an inquiry into a Socio-spatial Process*. (F. Mortezaee, Trans.), Tehran: Prdazesh Press.
- Marcus, P. (2008). Globalization and the Form of Cities. pp.25-40 in M. Jenks, D. Kozak & P. Takkanon. *World Cities and Urban Form*. London: Routledge.
- Marshall, S. (2009). *Cities Design and Evolution*. London/New York: Routledge.

- Mitchell, W. J. (2001). Virtual Architecture: Computers are Challenging Traditional Notions of Space. (N. Sadeghi Pey, Trans.). *Soffeh*, 1(33), 98-103.
- Moudon, A. V. (1997). Urban Morphology as an Emerging Interdisciplinary Field. *Urban Morphology*, 1(1), 3-10.
- Norberg-Schulz, Ch. (2003). *Architecture: Meaning and Place*. (V. Norouz Borazjani, Trans.). Tehran: Jan-e-Jahan.
- Puglisi, L. P. (2007). *Hyper Architecture: Space in the Electronic Age*. (M. R. Jodat, Trans.). Tehran: Ganje Honar Press.
- Ryan, B. (2004). Alphaworld: The Urban Design of a Digital City. *Journal of Urban Design*, 9(3), 287-309.
- Sabri, R. S. (2000). The Impact of Communications in the Quality of Urban Life. *Soffeh*, 1(30), 14-25.
- Sassen, S. (2001). The Global City, Introducing a Concept and its History. pp104-114 in R. Koolhaas, Mutations. Paris: Actar.
- Shayegan, D. (2005). *New Enchantment, Forty-part Identity and Mobile Thought*. (F. Veliani, Trans.). Tehran: Farzan Rooz.
- Sheller, M., & Urry, J. (Eds.). (2006). *Mobile Technologies of the City*. Taylor & Francis.
- Short, J. R. & Yeong, K. (2007). *Globalization and the City*. (A. Pourahmad & S. Rostami, Trans.). Tehran: Jahad Daneshgahi Press.
- Short, J. R. (2006). *Urban Theory: A Critical Assessment*. New York: Palgrave Macmillan.
- Smith, R. G. (2009). World City Topologies. *Global Cities Reader*, pp. 400-406.
- Tamlinson, J. (2002). *Globalization and Culture*. (M. Hakimi Trans.). Tehran: Cultural Research Bureau Press.
- Toffler, A. (1990). *Future Shock*. (S. Kharazmi, Trans.). Tehran: Simorgh Press.
- Van der Knaap, G. A. (2007). Urban Network Development under Conditions of Uncertainty. *Cities in Globalization*, pp. 89-107.
- Whyte, J. (2002). *Virtual Reality and the Built Environment*. Routledge.
- Worthington, J. (2006). Giving Meaning to the Experience Economy: Using Urban Design to Re-Establish a Place in the Networked City. pp.159-162 in M. Moor and J. Rowland, *Urban Design Futures*. New York: Routledge.
- Zukin, S. (2009). Destination Culture: How Globalization Makes All Cities Look the Same. In *Conference on "Rethinking Cities and Communities: Urban Transition before and During the Era of Globalization"*. Centre for Urban and Global Studies, Trinity College, Hartford, Connecticut.